موتورسواران خشن به زندان و دیه محکوم شدند

■ جلال مهرگان

پسران موتورسوار که در جریان نزاع با مردانی که در حال تفریح بودند باعث کوری یکی از آنها شده بودند به زندان و پرداخت دیه محکوم شدند.

۱۰ مهرماه ۹۸، مأموران پلیس شهرری هنگام گشت‌زنی متوجه خودروی پژو ۲۰۶ شدند که با سرعت زیاد در حال عبور بود. از آنجا که به نظر می‌رسید راننده و دو سرنشین خودرو وضعیت عادی ندارند مأموران خودروی مورد نظر را تعقیب و آن را متوقف کردند. بررسی‌ها نشان داد سه سرنشین خودرو که سه پسر جوان هستند دچار جراحت شده‌اند که در اولین گام هر سه به مرکز درمانی منتقل شدند. مهدی یکی از آنها بود که گفت: ما ساعتی قبل کنار رودخانه در حال تفریح بودیم که سه موتورسوار از راه رسیدند. فکر کردیم آنها هم می‌خواهند بساط‌شان را پهن و تفریح کنند، اما ناگهان با چاقو و پنجه بوکس به ما حمله کردند. یکی از آنها که محمود نام داشت با چاقو ضربه‌ای به چشم من زد که باعث نابینایی یکی از چشم‌هایم شد.

در شاخه دیگری از تحقیقات، مأموران پلیس با اطلاعاتی که شاکیان در اختیارشان قرار دادند، موفق شدند سه مرد موتورسوار را شناسایی و بازداشت کنند. آنها در بازجویی‌ها حرف‌های شاکیان را انکار کردند و گفتند در جریان حادثه نقشی نداشتند. با کامل شدن بررسی‌ها، پرونده برای بررسی بیشتر به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. وقتی قاضی رسمیت جلسه را اعلام کرد سه شاکی در جایگاه حاضر شدند و بار دیگر ماجرا را شرح دادند. مهدی گفت: من بعد از حادثه بینایی یکی از چشم‌هایم را از دست داده‌ام. چند عمل جراحی کرده‌ام و زندگی‌ام تباه شده است، به همین خاطر خواسته‌ای جز قصاص محمود ندارم. سپس دو شاکی دیگر هم در جایگاه حاضر شدند و گفتند در جریان حمله مهاجمان دچار جراحت شده‌اند و از دادگاه برای آنها درخواست مجازات دارند. سه متهم اما گفتند روز حادثه در محل حضور نداشتند و نمی‌دانند چرا شاکیان آنها را به دادگاه معرفی کرده‌اند. آنها گفتند حاضرند شاهدانی را به دادگاه معرفی کنند که حرف‌های آنها را تأیید کنند. بعد از ختم جلسه دادگاه برای شنیدن اظهارات شاهدان تجدید شد. در دومین جلسه شاهدان گفتند وقوع حادثه را ندیده‌اند و زمانی که به محل رسیدند حادثه اتفاق افتاده بود. بعد از آن بود که سه متهم یک به یک در جایگاه حاضر شدند. محمود، متهم اصلی اما این‌بار جرمش را قبول کرد، ولی گفت ضربه را به عمد وارد نکرده است. او گفت: ما برای هواخوری کنار رودخانه رفته بودیم که با سه پسر پژوسوار درگیر شدیم. من چاقو کشیدم و ضربه‌ای زدم، اما ضربه‌ام ناخواسته به چشم شاکی خورد. دومین متهم نیز گفت که در درگیری حضور داشته، اما ضربه‌ای به شاکی نزده است. سومین متهم هم راکب موتور بوده و هنگام درگیری از موتور پیاده نشده است. او گفت: وقتی حادثه اتفاق افتاد از دوستانم خواستم درگیر نشوند، اما آنها به اصرارهای من توجه نکردند. دفاعیات متهمان از سوی شاکیان پذیرفته شد و دادگاه بعد از شور از آنجا که امکان قصاص چشم محمود وجود نداشت، وی را به پرداخت نصف دیه کامل انسان و دو سال زندان محکوم کرد. متهم ردیف دوم نیز به پرداخت دیه و یک سال زندان محکوم و متهم ردیف سوم هم از اتهام تبرئه شد. حکم صادر شده بعد از بررسی در شعبه ششم دیوان عالی کشور تأیید شد.

قتل پدرزن سابق بر سر مهریه

مرد میانسال که پدرزن سابقش را به‌خاطر ناتوانی در پرداخت مهریه به قتل رسانده است، بازداشت شد.

سرهنگ حکمت‌اله شجاعی، سرپرست پلیس آگاهی البرز گفت: اول خردادماه بود که حادثه تیراندازی در یکی از محله‌های کرج اتفاق افتاد. بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد مرد ۷۰ ساله با شلیک گلوله هدف قرار گرفته و جانش را از دست داده است. همزمان با حضور تیم جنایی و انتقال جسد به پزشکی قانونی، بررسی‌های بیشتری در این باره انجام شد. تحقیقات نشان داد عامل قتل داماد سابق خانواده است که بعد از حادثه متواری شده است. بنابراین متهم تحت تعقیب قرار گرفت و در تهران بازداشت شد. متهم ۳۹ ساله در جریان بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: مدتی قبل به خاطر اختلافی که با همسرم داشتم از هم جدا شدیم. بعد از آن بر سر نحوه پرداخت مهریه با پدرزن سابقم اختلاف پیدا کردم. وقتی اختلاف ما بالا گرفت، من قصد داشتم با اسلحه او را تهدید کنم که دستم روی ماشه رفت و گلوله‌ای شلیک شد و او به قتل رسید. بررسی‌های بیشتر پلیس در این باره جریان دارد.

کشف سکه‌های اشکانی در مشهد

فرمانده انتظامی مشهد از کشف سکه‌های اشکانی از زن و مردی رهگذر خبر داد.

سرهنگ احمد نگهبان گفت: مأموران کلانتری شهید فیاض بخش هنگام گشت‌زنی به زن و مردی میانسال که با دیدن خودروی پلیس تغییر مسیر دادند، مظنون شدند و همزمان با دستگیری آنها در بازرسی از کیف همراهشان ۱۱ قطعه سکه و یک مهر عتیقه کشف کردند. وی ادامه داد: بررسی کارشناسان سازمان میراث فرهنگی نشان داد سکه‌ها متعلق به دوره اشکانیان و مهر نیز متعلق به هزاره قبل از میلاد مسیح است.

درخواست تعیین تکلیف ۲ قاتل پس از ۲۶ سال بلاتکلیفی در زندان

■ غلامرضا مسکنی

دو برادر محکوم به قصاص که از ۲۶ سال قبل به اتهام قتل راننده تاکسی در بازداشت به سر می‌برند، درخواست تعیین تکلیفی کردند.

۲۶ سال قبل مرد میانسالی در تهران به اداره پلیس رفت و از ناپدیدشدن ناگهانی پسر جوانش شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: «پسرم حمید چند سال قبل خودروی تاکسی خرید و در خیابان‌های تهران مسافرکشی می‌کند. او معمولاً هر روز صبح از خانه بیرون می‌رفت و شب به خانه بر می‌گشت، اما امشب وقتی از محل کارم به خانه آمدم، همسرم گفت حمید به خانه بازنگشته است. چند ساعتی دنبال او گشتیم و هیچ‌یک از دوستان، همکاران و بستگانمان از پسرم خبری نداشتند و به همین دلیل نگرانش شدیم و الان احتمال می‌دهیم برای او اتفاق بدی رخ داده باشد.»

■ **اخاذی**

با شکایت مرد میانسال تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی تحقیقات خود را برای پیدا کردن ردی از راننده تاکسی آغاز کردند.

در حالی که مأموران هیچ ردی از مرد گمشده پیدا نکرده‌بودند، شاکی دوباره به اداره پلیس رفت و گفت مرد ناشناسی پسرش را ربوده و برای آزادی او درخواست پول کرده‌است. وی گفت: «ساعتی قبل مرد ناشناسی با تلفن خانه ما تماس گرفت و گفت حمید را گروگان گرفته و باید برای آزادی او پول بدهم. او تهدید کرد هر چه زودتر پول را فراهم کنم تا اتفاقی برای پسرم رخ ندهد.»

■ **بازداشت**

بدین ترتیب کارآگاهان پلیس آگاهی به پدر مرد گمشده آموزش دادند با آدم‌ربا قرار صوری بگذارد تا او را به دام بیندازند.

تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت تا اینکه چند روز بعد به کارآگاهان جنایی خبر رسید مأموران گشت پلیس حوالی میدان فتح در جنوب غرب تهران خودروی تاکسی مرد گمشده را توقیف و راننده و سرنشین آن را که دو برادر هستند، بازداشت کرده‌اند. بررسی‌ها حکایت از آن داشت مأموران گشت پلیس به خودروی تاکسی مشکوک می‌شوند و دستور ایست می‌دهند و خودرو را متوقف می‌کنند. دو برادر که راننده و سرنشین خودرو هستند با نشان دادن کاغذی ادعا می‌کنند خودروی تاکسی را از صاحبش خریده‌اند، اما وقتی مأموران شماره پلاک خودرو را از مرکز استعلام می‌گیرند، متوجه می‌شوند چند روز قبل مردی به اداره پلیس رفته و اعلام کرده، پسرشان که صاحب خودرو تاکسی است، مفقود شده‌است.

■ **سرقت مرگبار**

با اعلام این خبر دو متهم به پلیس آگاهی منتقل شدند و در بازجویی‌های فنی به آدم‌ربایی مرگبار اعتراف کردند. یکی از متهمان گفت: «مدتی بود من و برادرم بیکار شده‌بودیم و درآمدی نداشتیم. هر روز که می‌گذشت وضع مالی ما بدتر می‌شد و ما به دوستان و بستگان بدهکارتر می‌شدیم. بیکاری و بدهکاری ما را کلافه کرده‌بود تا اینکه دو نفری تصمیم اشتباهی گرفتیم. ما می‌خواستیم سرقت کنیم و به همین خاطر به عنوان مسافر سوار خودروی تاکسی شدیم تا به زور اموالش را سرقت کنیم، اما وقتی به پول زیادی نرسیدیم تصمیم‌مان عوض شد و نقشه آدم‌ربایی را طراحی کردیم تا از خانواده او اخاذی کنیم.»

■ **قتل**

متهم ادامه داد: «آن روز تاکسی را دربست کرایه کردیم و به طرف جاده قدیم کرج به راه افتادیم. در میانه راه با راننده تاکسی درگیر شدیم و او را کتک زدیم و اموالش را سرقت کردیم. پول زیادی نداشت و به همین دلیل دست و پایش را با طناب بستیم و به خانه‌ای که از قبل داشتیم، منتقل کردیم. پس از این با خانواده‌اش تماس گرفتیم و گفتیم پسرتان را گروگان گرفته‌ایم. می‌خواستیم اخاذی کنیم، اما راننده تاکسی متأسفانه فوت کرد. ما ماندیم و یک جسد و به همین سبب بی‌خیال اخاذی شدیم و تصمیم گرفتیم خودروی او را بفروشیم و در فرصت مناسب جسد را در مکانی رها کنیم که در مسیر برگشت مأموران پلیس به ما مشکوک شدند و ما را بازداشت کردند.»

متهم دیگر هم در بازجویی‌ها حرف‌های برادرش را تأیید کرد.

با اعتراف متهمان مأموران راهی محل حادثه شدند و جسد راننده تاکسی را کشف و به پزشکی قانونی منتقل کردند.

دو متهم پس از تحقیقات تکمیلی در دادگاه کیفری محاکمه شدند و به اتهام مشارکت در قتل عمد با درخواست پدر و مادر مقتول به قصاص محکوم شدند.

■ **پس از ۲۶ سال**

رأی دادگاه پس از تأیید در یکی از شعبه‌های دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد.

همزمان با سیر مراحل تشریفات اجرای حکم، پدر و مادر حمید فوت کردند و برادر و خواهر مقتول اولیای‌دم وی شدند.

در حالی که ۲۶ سال از حادثه گذشته است دو متهم همچنان در بلاتکلیفی به سر می‌برند و همچنان در زندان رجایی‌شهر کرج در انتظار اجرای حکم یا رهایی از چوبه دار هستند. دو برادر مدتی قبل خواهان رسیدگی به پرونده‌شان شدند و اعلام کردند می‌خواهند هر چه زودتر وضعیتشان مشخص شود، چون در این مدت دچار مرگ تدریجی شده‌اند، روزهای سختی را در زندان سپری می‌کنند. با درخواست دو متهم، پرونده آنها برای رسیدگی روی میز قاضی شعبه سوم اجرای احکام قرار گرفت. بدین ترتیب تیم صلح و سازش به سرپرستی قاضی محمد شهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران قرار است با حضور اولیای‌دم جلسه صلح و سازش برگزار کند تا هر چه زودتر وضعیت دو قاتل پس از ۲۶ سال تعیین تکلیف شود.

طبق ماده ۴۲۹ قانون مجازات اسلامی در مواردی که محکوم به قصاص، در زندان است و صاحب حق قصاص، بدون عذر موجه یا به علت ناتوانی در پرداخت تفاضل دیه یا به جهت انتظار برای بلوغ یا افاقه ولی‌دم یا محکوم علیه، مرتکب را در وضعیت نامعین رها کند، با شکایت محکوم علیه از این امر، دادگاه صادرکننده حکم، مدت مناسبی را مشخص و به صاحب حق قصاص اعلام می‌کند تا ظرف مهلت مقرر نسبت به گذشت، مصالحه یا اجرای قصاص اقدام کند. در صورت عدم اقدام او در این مدت، دادگاه می‌تواند پس از تعیین تعزیر بر اساس کتاب پنجم «تعزیرات» و گذشتن مدت زمان آن با اخذ وثیقه مناسب و تأیید رئیس حوزه قضایی و رئیس کل دادگستری استان تا تعیین تکلیف از سوی صاحب حق قصاص، مرتکب را آزاد کند.

بازداشت یک مظنون در قتل زن تنها

■ آرمین بینا

پرونده مرگ مشکوک زن سالخورده‌ای که در خانه‌اش به کام مرگ رفته‌بود، با بازداشت پسر جوانی که به عنوان خدماتی به خانه‌اش رفت و آمد داشت، وارد مرحله تازه‌ای کرد.

ساعت ۲۰ شامگاه چهارشنبه دهم خرداد قاضی محمدرضا صاحب‌جمعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک زن سالخورده‌ای در خانه‌اش با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی داخل پذیرایی طبقه اول آپارتمان مسکونی در خیابان میرداماد در شمال تهران با جسد زن ۸۰ ساله‌ای به نام گوهر روبه‌رو شدند که به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته‌بود.

■ **سرقت**

مأموران پلیس در نخستین گام با به هم ریختگی وسایل خانه روبه‌رو شدند که نشان می‌داد از خانه زن فوت شده سرقت شده‌است. بنابراین این احتمال برای مأموران قوت گرفت که فرد یا افرادی با انگیزه سرقت وارد خانه شده‌اند و گوهر هم در حادثه سرقت به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته‌است. همچنین تیم جنایی و عوامل پزشکی قانونی در تن‌پیمایی جسد در محل حادثه با شیاری روی گردن زن سالخورده روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت وی بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن به قتل رسیده‌است.

■ **اظهارات همسایه**

یکی از همسایه‌ها که موضوع را به مأموران پلیس خبر داده‌بود، گفت: «گوهر چند سالی است در این خانه تنها زندگی می‌کند و فرزندانشان خارج از کشور هستند. ما معمولاً او را هر روز می‌دیدیم و گاهی هم من یا همسایه‌های دیگر برای او از بازار خرید می‌کردیم. البته مرد جوانی هم به عنوان نظافتچی به خانه‌اش رفت و آمد داشت. امروز از صبح خبری از گوهر نشد و هیچ‌یک از همسایه‌ها او را ندیده‌بودند که همه نگرانش شدیم. از آنجایی که من کلید خانه‌اش را داشتم و به او سر می‌زدم با کلید در خانه‌اش را باز کردم و با جسد او داخل پذیرایی روبه‌رو شدم. بلافاصله به همسایه‌های دیگر خبر دادم و از پلیس و اورژانس هم درخواست کمک کردم.» وی در پایان گفت: «گوهر همیشه در دست و گردنش طلا داشت، اما الان گردنبند و دستبندی در دستان و گردنش نیست و ما احتمال می‌دهیم طلاهایش سرقت شده است.»

■ **بازداشت یک مظنون**

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص‌شدن علت اصلی مرگ، مأموران تحقیقات گسترده‌ای را درباره این حادثه آغاز کردند. کارآگاهان جنایی در بررسی‌های فنی خود موفق شدند پسر جوان افغانی را که به عنوان نظافتچی به خانه زن فوت شده رفت و آمد داشته‌بود، شناسایی و بازداشت کنند.

متهم پس از انتقال به اداره پلیس جرم خود را انکار کرد و در ادعایی گفت: «مدتی قبل از طریق مرکز خدماتی به گوهر معرفی شدم تا هر چند روز یک بار به خانه‌اش بروم و آنجا را نظافت کنم. من برای آخرین بار چند روز قبل از حادثه به خانه‌اش رفتم و کارهای او را انجام دادم و از آن روز به بعد دیگر خبری از او ندارم.»

تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

انتقام سایبری خواستگار ناکام از تازه‌عروس

مرد جوان که با جواب منفی از سوی دختر مورد علاقه‌اش مواجه شده بود، وقتی متوجه شد او ازدواج کرده عکس‌های خصوصی‌اش را در فضای مجازی منتشر کرد.

سرهنگ داود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتا تهران بزرگ گفت: چند روز قبل دختری وارد پلیس فتا شد و از منتشرکننده عکس‌های خصوصی‌اش شکایت کرد. او گفت: من به‌تازگی ازدواج کرده‌ام و زندگی خوبی هم دارم. چند روز قبل متوجه شدم یک نفر در شبکه‌های اجتماعی به نام من صفحه‌ای ایجاد و عکس‌های خصوصی‌ام را منتشر کرده است. او شماره تلفن همراه مرا هم در صفحه مورد نظر گذاشته و آبرویم را برده است.

بعد از مطرح شدن این شکایت، مأموران پلیس در این باره تحقیق کردند و موفق شدند منتشرکننده عکس‌ها را شناسایی و بازداشت کنند.

او در بازجویی‌ها جرمش را انکار کرد، اما وقتی با شواهد پلیس مواجه شد چاره‌ای جز اعتراف نداشت. متهم گفت: من قبلاً از شاکی خواستگاری کرده بودم، اما به درخواستم جواب رد داده بود تا اینکه متوجه شدم با فرد دیگری ازدواج کرده است. بعد از آن بود که تصمیم به انتقام گرفتم، برای همین به نام او صفحه‌ای در شبکه‌های اجتماعی ایجاد کردم و عکس‌های خصوصی‌اش را که به آن دسترسی پیدا کرده بودم منتشر کردم تا اینکه بازداشت شدم. تحقیقات بیشتر از متهم در جریان است.

نقشه قتل مدیرعامل در دست کارگر اخراجی

کارگر اخراجی شرکتی در شیراز که با همدستی برادر و خواهرزاده‌اش مدیرعامل شرکت را به قتل رسانده‌بودند، بازداشت شدند.

سرهنگ کاووس حبیبی، رئیس پلیس آگاهی استان فارس گفت: ۱۴ اسفند ماه سال گذشته به مأموران پلیس شیراز خبر رسید حادثه‌ای خونین در یکی از باغ‌ویلاهای حاشیه شهر اتفاق افتاده‌است. با حضور تیم جنایی مشخص شد مردی ۶۹ ساله با اصابت گلوله و ضربات چاقو به سینه و سرش به کام مرگ رفته‌است. در بررسی‌های بعدی معلوم شد مقتول مدیر عامل شرکت تراست است و جسد به پزشکی قانونی منتقل شد.

در شاخه دیگری از بررسی‌ها، کارآگاهان پلیس متوجه شدند شرکت محل کار مقتول هم هدف سرقت قرار گرفته‌است. تحقیقات تیم جنایی با حضور در محل نشان داد که عامل یا عاملان حادثه با در دست داشتن کلید وارد شرکت شده و بعد از گشودن در گاو صندوق مقدار زیادی طلا، ارز و دوربین‌های مداربسته را سرقت کرده و گریخته‌اند. تحقیقات بعدی نشان داد که خودروی سراتوی مقتول و دوربین‌های مداربسته باغ محل حادثه هم سرقت شده‌اند.

بررسی‌های پلیس بعد از تحقیقات انجام‌شده در دو محل حادثه نشان داد قتل و سرقت از سوی اعضای یک باند رقم خورده‌است. همچنین مشخص شد که حادثه از سوی فردی آشنا انجام شده‌است، بنابراین کارآگاهان در جریان تحقیقات میدانی به یکی از کارگران اخراجی شرکت مظنون شدند. بعد از به دست آمدن این سرنخ بود که متهم به عنوان مظنون اصلی بازداشت شد. او در جریان تحقیقات فنی به ارتکاب قتل با همدستی برادر ۳۸ ساله و برادرزاده ۲۵ ساله‌اش اعتراف کرد. با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت، دو همدست وی هم بازداشت شدند.

متهم در شرح ماجرا گفت: یک ماه قبل از حادثه و در حالی که از شرکت اخراج شده‌بودم، تصمیم به انتقام گرفتم. ماجرا را با برادر و خواهرزاده‌ام در میان گذاشتم تا با طراحی یک نقشه از مقتول سرقت کنیم که قبول کردند. برای این کار دو قبضه اسلحه تهیه و مقتول را تعقیب کردیم تا اینکه متوجه شدیم به باغ ویلایش رفت و آمد دارد. در یکی از شب‌ها و قبل از اینکه مقتول وارد باغ شود، یکی از ما وارد و منتظر وارد شدن او شد. همدستمان با تهدید اسلحه دست و پای مقتول را بست و داخل صندوق عقب خودرو گذاشت و به دنبال ما آمد. بعد در حالی که مقتول در صندوق عقب حبس شده‌بود، به باغ ویلا برگشتیم. با تهدید مقتول رمز گاوصندوق شرکت را گرفتیم و موفق شدیم وارد شرکت شویم و گاو صندوق را خالی کنیم. بعد از انجام سرقت بود که او را با شلیک گلوله و ضربات چاقو به قتل رساندیم و از محل فرار کردیم.

با اعتراف متهمان، مأموران پلیس در بازرسی از مخفیگاه آنها دو قبضه اسلحه کمری، دو قبضه چاقو و مقدار زیادی طلا کشف کردند. تحقیقات بیشتر از متهمان جریان دارد.

شکایت از داماد به اتهام آدم‌ربایی

مردی که متهم است با همدستی دو نفر دیگر برادرزنش را برای تصاحب ملک ۵ میلیاردی‌اش ربوده است تحت تعقیب مأموران پلیس قرار گرفت.

به گزارش جوان، صبح دیروز مردی به دادسرای امور جنایی تهران رفت و از دامادشان و دو مرد دیگر به اتهام آدم‌ربایی به‌خاطر تصاحب ملک ۵ میلیاردی‌اش شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: «روز قبل در شهرری بودم که دامادمان به نام فرید با من تماس گرفت. او برای انجام کاری با من در یکی از خیابان‌های منطقه خانی‌آباد در جنوب تهران قرار گذاشت و من هم سریع به محل قرار رفتم. کنار خیابان منتظر او بودم که ناگهان دو مرد غریبه همراه دامادمان به من حمله و به زور مرا سوار خودرو کردند و به راه افتادند.

در حالی که شوکه شده بودم و آنها هم مرا تهدید به مرگ می‌کردند، مرا به خانه‌ای در جنوب تهران بردند. در آنجا آنها مرا به شدت شکنجه دادند و به زور از من امضا و اثر انگشت گرفتند که یکی از زمین‌هایم را به ارزش ۵ میلیارد تومان به برادر فروخته‌ام. من از ترس امضا کردم، اما وقتی حالم بد شد مرا داخل خیابانی رها کردند و از محل گریختند. الان از آنها به اتهام آدم‌ربایی و اقدام به تصاحب غیرقانونی اموالم شکایت دارم.» با شکایت مرد میانسال، پرونده به دستور قاضی دادسرا برای بررسی در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت. بدین ترتیب سه متهم تحت تعقیب مأموران پلیس قرار گرفتند.

مفقودی

برگ کمپانی خودرو سواری جک هاچ‌بک تیپ S5 مدل ۱۳۹۵ به رنگ سفید روغنی و شماره پلاک ایران ۶۸ - ۲۵۶ژ۱۱ و شماره موتور HFG۴GA۳۱DG۰۰۰۴۴۰۰ و شماره شاسی NAKSH۷۳۲۸GB۱۲۸۸۳۰ به مالکیت شاهرخ گروسی با کد ملی ۰۳۲۰۰۸۰۲۳۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
الف ل

مفقودی

برگ سبزو برگ کمپانی خودرو پژو ۴۰۵ GLH XU۷ مدل ۱۳۹۲ به رنگ خاکستری متالیک و شماره پلاک ایران ۲۱ - ۳۴۵هـ۱۸ و شماره موتور ۱۲۴K۰۲۵۴۳۲۶ و شماره شاسی NAAM۰۱CA۷DR۰۱۴۵۰۶ متعلق به زینب رضایی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای جعفر روستائیان امیری با ارائه دو برگ استشهادیه المثنی که در دفترخانه ۲۹۲ بابل امضا شده ، طی درخواست ۱۴۰۲۲۱۷۱۰۰۰۴۰۱۱۵۰۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۱۳ تقاضای صدور سند المثنی شش دانگ پلاک ۹ فرعی از ۲۱۲- اصلی بخش یک شرق ثبت بابل که ذیل دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۱۰۰۰۴۰۱۵۸۷۸ به نام ایشان ثبت و سند صادر و تسلیم گردیده سپس در اثر جابه جایی مفقود شده را نموده است : لذا در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت و تبصره های ذیل آن اعلام مقتضی است چنان چه سند مالکیت مذکور تحت هر عنوان به آن دفترخانه ارائه شد از انجام هرگونه اقدام خودداری گردد و لاشه سند را از آورنده اخذ و به این اداره ارائه نماید.
ضمنا برابر اسناد رهنی ۶۳۲۸ و ۶۳۳۷ مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۲۱ دفترخانه ۲۹۲ بابل در رهن بانک ملت می باشد. شماره سریال مفقودی: ۵۴۰۷۱۵ سری الف ۹۶ می باشد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳
سید مهدی حسینی کریمی
رییس اداره ثبت اسناد و املاک بابل
شناسه آگهی: ۱۵۰۸۲۰۳